



«موشگ جابید»

موسیقی مذهبی ایران را نمی‌توان از موسیقی ردیف دستگاهی جدا دانست و درباره‌اش بحث کرد چون موسیقی ایران اساساً دینی است و ریشه‌های آن از دین و باورهای کیشی– آیینی برخاسته است. به عبارت دیگر از این باورها شروع شده و به این نقطه‌ای رسیده که اکنون شاهدش هستیم. برای بررسی این بحث باید بدانیم که در موسیقی مذهبی چندین شاخه وجود دارد که فقط یکی از آنها مرثیه‌خوانی و سوگواری دینی است. خود این شاخه به زیرشاخه‌های متعددی از نگاه اسلامی در بین ایرانیان تقسیم می‌شود همانند ۱- سوگ مرثیه‌خوانی ازلی مثل مرثیه‌خوانی حضرت آدم ۲- مرثیه و سوگ پس از آمدن آدم روی زمین مثل مرثیه‌خوانی آدم بر جنازه پسرش هابیل یا مرثیه لَمک فرزند قابیل بر مرگ فرزند پنج‌ساله‌اش ۳- مرثیه‌خوانی و سوگ‌خوانی در زمان غزوات پیامبر مثل سوگواری بر حمزه سیدالشهدا ۴- مرثیه‌خوانی و سوگ‌خوانی در زمان رحلت پیامبر ۵- مرثیه‌خوانی و سوگواری در زمان شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) که از اینجا به نخستین مرثیه‌خوانی بر زنان تاریخ برمی‌خوریم و می‌دانیم که تا این زمان کسی برای زنان نگرسته و مرثیه و سوگ نخوانده است نه در ایران نه در سرزمین‌های عرب و حجاز و… درست از همین نقطه تاریخ است که نخستین مرثیه‌خوانی برای زنان پدید آمده و شکل گرفته است. ۶- مرثیه‌خوانی و سوگواری در زمان شهادت حضرت علی(ع)؛ درباره این شاخه هم باید گفت از این زمان به بعد است که نخستین مقتل‌سرایی و نخستین مناقب‌خوانی و مناقب‌سرایی پدید می‌آید. ۷- مرثیه‌خوانی و سوگواری بر شهیدان کربلا (به روایت خوارزمی) ۸- مرثیه‌خوانی و سوگواری پس از واقعه کربلا که نخستین جابوش سوگ توسط بشیر بن جزم پدید می‌آید. ۹- مرثیه‌خوانی و سوگواری افلاکیان بر شهدای اسلام و اهل‌بیت (که ایرانی‌ها پذیرفته‌اند و قبولش دارند). ۱۰- سوگواری پیش از حدوث کربلا توسط پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) ۱۱- مرثیه و سوگواری بر صحابه، خلفا، امرا و سرداران ۱۲- مرثیه‌خوانی و سوگواری بر امامان شیعه و فرزندان آنان. مجموعه ۱۲ شاخه‌ای که ذکر شد مرثیه‌خوانی از نگاه اسلام در بین ایرانی‌هاست، یعنی ایرانی‌ها به این ۱۲ شاخه باور دارند و بر همین اساس مرثیه می‌خوانند.

اما جدای از بحث انواع مرثیه‌خوانی‌ها که در بالا ذکر شد، اشکال گوناگون مرثیه‌خوانی در ایران را هم می‌توان بررسی کرد. این اشکال را می‌توان به ۱۱ شاخه تقسیم کرد.

۱- مرثیه در روزهای سوگ و عزا مثل روز شهادت، شبهای قدر و روزهای محرم و صفر ۲- مرثیه در مرگ افراد مثل مرثیه فرد به مرثیه امامان، یعنی وقتی فردی می‌میرد برایش مرثیه می‌گیرند و آن را به مرثیه امامان وصل می‌کنند. ۳- مرثیه‌خوانی در حرم امامان و امامزادگان مثلاً در حرم امام رضاع) یا امامزاده‌های مختلف در گومش و کنار افران ۴- مرثیه‌خوانی در شبیه‌خوانی (تعزیه) ۵- مرثیه‌خوانی در هنر پرده‌خوانی ۶- مرثیه‌خوانی در هنر شمایل‌خوانی ۷- مرثیه‌خوانی در هنرهای ورزشی زورخانه‌ای ۸- مرثیه‌خوانی در مجالس روضه و عزاداری ۹- مرثیه‌خوانی در مجالس نقل به‌ویژه سهراب‌کشون و سیاوش‌کشون ۱۰- مرثیه‌خوانی در مجلس شهادت یا بزرگداشت شهدا ۱۱- مرثیه‌خوانی در مجالس یادبود سران و بزرگان از دست‌رفته کشور. این مورد آخری قبلاً هم برای پادشاهان خوانده می‌شد و به دوره رودکی بازمی‌گردد که نخستین مرثیه را برای ستادش ساخت.

تا اینجا بحث به گستردگی موسیقی مذهبی ایران پی می‌بریم و طبیعی است که با توجه به این همه گستردگی، موسیقی ردیف دستگاهی ما نیز برگرفته از موسیقی مذهبی باشد.

تازه آنچه آمد فقط شاخه‌های مرثیه در ایران است اما با شکافتن بحث پی می‌بریم که

سیری در موسیقی مذهبی ایران

مرثیه‌های خاک

سال پنجم ■ شماره ۱۱۶۹ ■ دوشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۹

موسیقی

گفت‌وگو با علیرضا پورامید پژوهشگر موسیقی

موسیقی تعزیه در ایران

علیرضا پورامید پژوهشگر موسیقی است.بخش عمده‌ای از تحقیق‌های اودرباره موسیقی مذهبی است. با او درباره موسیقی تعزیه در ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

– می‌گویند موسیقی دستگاهی ما را تعزیه حفظ کرده، آیا همین طور است؟ تعزیه آنچنان تاریخچه‌ای ندارد که بگوییم موسیقی ما را یا ردیف‌های آوازی ما را تعزیه حفظ کرده. تعزیه از این مقوله استفاده کرده و چون استفاده می‌کرده و شمول زیادی داشته و در گوشه‌گوشه کشور تعزیه خوانده می‌شده به نوعی حامل این قضیه هم بوده و چون حامل بوده به نوعی می‌توان گفت مدیون است. کسی که امانتدار خوبی باشد، خدمت‌دهنده می‌تواند بگوید من مدیون ایشانم چون امانت من را گرفت و خیلی خوب حفظ کرد و گسترش داد.

– به نوعی گسترش آن را در کل کشور مدیون تعزیه هستیم؟

بله. تعزیه را از اواخر زندیه داریم و آنچنان ریشه‌ای در دوران صفویه یا قبل از زندیه نمی‌بینیم. هیچ جا در تاریخ چیزی به نام تعزیه نمی‌بینید. طبق گفته ابن سربج در کتاب‌الآغانی که ابوالفرج اصفهانی نوشته، ماجرای عاشورا را یک عده‌ای امندند برای سکنه دختر گرمی امام حسین نقل کردند و به نوعی بازی کردند یعنی هنگام نقل‌شان حرکاتی را هم انجام می‌دادند. آخرین یا قدیمی‌ترین منبعی که می‌شود برای بازگو کردن آن واقعه عظیم یا دردناک ذکر کرد همین است اما این اسمش تعزیه نیست، باید این سه محور اصلی نمایش، کلام و موسیقی را داشته باشد.تعزیه تحت تأثیر نمایش‌های اروپایی در ایران شکل گرفت و نکته شگفتش این است که چگونه در طول ۴۰، ۵۰ سال در تمام ایران گسترش پیدا کرد. یعنی بعد از زندیه تا زمان ناصرالدین‌شاه می‌بینید کل ایران تعزیه داشتند، حتی جاهایی که کل ساکنان روستا صد نفر نبودند، تعزیه را برگزار می‌کردند. اما راجع به تاریخچه باید بگوییم یک چیزی در حدود ۲۵ تا ۳۰ سال حداکثر تعزیه تاریخ دارد. خب قبلش موسیقی دستگاهی ما چه می‌کرده؟ البته چیزی به عنوان موسیقی دستگاهی یا ردیفی نداشتیم از زمان میرزا عبدالله فرزند علی‌اکبرخان فراهانی ردیف مدون شد ولی این گوشه‌ها بوده. و بهترین شکل بیانش هم این بوده که اولیاخوان‌ها و کسانی که شبیه انمه بودند در آواز اجرا می‌کردند به دلیل اینکه برای شنونده بسیار دلپسندتر و شنیدنی‌تر می‌شد. این گستردگی و بعد تعزیه که در تمام روستاها و شهرهای ایران اجرا می‌شده باعث شده وقتی امروز از موسیقی دستگاهی آوازی حرف می‌زنیم همه متوجه شوند از چه حرف می‌زنیم، در زمانی که تعزیه خوانده می‌شده موسیقی تحت فشار نبوده. یک وقتی مثل زمان شاه تهماسب موسیقی تحت فشار بوده، خب اگر می‌آمده در یک قالب دیگری به ادامه حیاتش می‌پرداخته، آن قالب به چه نوعی هدایت‌کننده و حمایت‌کننده و محافظ موسیقی می‌شده. ولی در زمان قاجار فتحعلی‌شاه را بگویید چه عباس میرزا آنقدر به موسیقی کاری نداشتند. زمان فتحعلی‌شاه هم که موسیقی یکی از ابزار می‌شود که بتوانند به مجالس عیش و عشرت‌شان بپردازند. پس آنچنان موسیقی تحت فشار نبوده که ما بگوییم از لحاظ حفظش و حفظ حیاتش مدیون تعزیه است.ولی به جهت گستردگی و اشاعه بله مدیون تعزیه هستیم همچنان که تعزیه هم مدیون گوشه‌های آوازی است. مثلاً وقتی تعزیه حضرت علی‌اکبر را داریم، ایشان در چهارگاه می‌خوانند. این قالب‌ها را از کجا گرفته‌اند؟ قالب‌ها وجود داشته. شیوه خواندن قرآن معید وجود داشته. هنوز هم که هنوز است به شیوه عربی می‌خوانند و یکی از هفت لحن عربی را انتخاب می‌کنند و می‌خوانند و اگر کسی قرآن را در آواز اصفهان بخواند همچنان که آقای شجریان خوانده‌اند یک کمی برای برخی ممکن است ناپذیرفتنی باشد که این شیوه قرآن خوانند با آن شیوه‌ای که ما در گوش‌مان هست آنچنان هماهنگی ندارد. در حالی که تعزیه، ردیف‌های آوازی را گرفته و نه تحت تأثیر ملودی عربی است و نه تحت تأثیر ملودی‌های آذری.

– می‌توانیم بگوییم این غلط است موسیقی ما متاثر از تعزیه می‌است؟

موسیقی ما گسترده‌کاش متاثر از تعزیه است. یک مقوله هنری که با جلوه‌گری و اجرا و نمایش سر و کار دارد حتماً نیاز به گستردگی دارد. هر چیزی به هنر کمک



می‌کند هنر به نوعی مدیون آن است. اما جانیامه اصلی آن موضوع مدیون هنر است.

– تمام گوشه‌های موسیقی دستگاهی ما در تعزیه خوانده می‌شده‌است؟

نه، همه که خوانده نمی‌شود ولی بالاخره آن بخشی که خوانده می‌شده، تعزیه به حفظش کمک کرده‌است. یک بخش‌اش را واعظین روی منبر حفظ کردند واعظین مثل الان نبودند، خوش‌صدا بودند و این یکی از شرایطشان بود و به یکی دوتا گوشه مسلط بودند و در ابتدا یا انتهای سخنرانی‌شان یک آواز می‌خواندند. روزهای زیاد دوری نیست؛ ۴۰ سال پیش، ۳۰ سال پیش حاج اشرف کلاشی، مرحوم شیخ احمدکافی (ابتهایی که من پادم می‌آید) و همین الان آقای قاسم شجاعی منبرش با آواز شروع می‌شود و به آواز هم ختم می‌شود. پاسخ شما همان مثال قرآن است. چون قرآن از کشور عربی آمد شیوه خواندنش هم شد عربی. ولی تعزیه چون مال ایران بود و یک پشتولهای هم برای آن داشت، یعنی متربال و مواد اولیه را داشت عربی نشد. مواد اولیه چه بود؟ همان گوشه‌ها. این نشان می‌دهد که ما گوشه‌ها را داشته‌ایم که تعزیه آنها را کمک گرفته است. والا آن هم محتاج لحن‌های عربی یا ترکی یا آذری یا هندی می‌شد. چرا نشده؟ به خاطر اینکه دانشیم. یک وقتی راجع به تاریخچه عزاداری صحبت می‌کنید که مربوط به نهصد و اندی سال پیش است. دهه هشتم قرن پنجم به دستور معزالدین احمد اول‌ویه، بازار و دکانیک بغداد را می‌بندند و سیاه‌پوش می‌کنند و عزاداری می‌کنند. از آنجا شروع شده، رسمیت یافته. در شعر حضرت مولانا می‌بینید در قرون هفتم و هشتم از دلستان عزاداری امام حسین در شهر حلب نام می‌برد، پس عزاداری در آن موقع قیمتی داشته. اما تعزیه خیلی تاریخش کمتر است و یک‌سوم تاریخ عزاداری است. از همین جازز مثالی که در مورد قرآن برایتان زدم، شما متوجه می‌شوید که اگر گوشه‌های آوازی ما نبود و به فکر تعزیه نمی‌آمد تعزیه هم رنگ و بوی عربی و الحان عربی را به خودش می‌گرفت.

– می‌کنید با وجود گذر زمان تعزیه نمی‌تواند بماند و چرا امروزه برای دیدن و شنیدنش در مخاطب ایجاد انگیزه نمی‌تواند؟

سیطره مدرنیته دارد همه چیز را از بین می‌برد. اما کجا تعزیه بوده که مردم خوش‌شان نیاید. تعزیه چند سال ممنوع بود. تعزیه هنوز یک هنر است. منتها سرگرمی‌ها فرق کرد. دقت بکنید شیوه مداحی و هیئت‌داری ما تغییر کرده. محوریت عزاداری‌های ما در ۵۰ سال پیش به قبل‌تر را در نظر بگیرید. در این فاصله دو قرن، دو قرن و نیم محوریت مجالس عزاداری، تکایا و مساجد بر وعاظ بوده و الان محوریت با مداح است و اسپهان را درشت‌تر از سخنران می‌نویسند. بعد شیوه‌هایی که متاثر از زمان جنگ است و نوع نوحه‌هایی که بیشتر خورستانی و مربوط به آن خطه بود، توسط آقای آهنگران و کویتی‌پور آمده به هیات‌های ما و آن را تحت تأثیر قرار داده. نوع نوحه‌ها، زیبایی‌شناسی نوحه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته.

– نحوه آواز خواندن در تعزیه و نقش و تفکیک صداها چطور است؟

گوشه‌های شور، شوشتری و بخشی از سه‌گاه و چهارگاه و راست‌پنجگاه خوانده می‌شود. شاید همین‌ها هم استفاده کنند و کمتر از ماهور استفاده می‌کنند. در نوع تعزیه و میزان سوگار بودنش یا سراسر سوگ بودن تأثیر داشته که چه گوشه‌ای را استفاده کنند. نکته دیگر در تعزیه این است که آنهایی که اشقیاخوان هستند (شمرخوان و اینها) اولاً خیلی با احترام با بزرگان صحبت می‌کنند و نکته دوم این است که اشتلمب می‌کنند و آواز نمی‌خوانند و شیوه اشتلمب و شکل بیانی که زیبایی کمتری داشته باشد یا نداشته باشد که آن تأثیر منفی را در مخاطب بگذارد. اما برای اولیه، تمام در آواز می‌خوانند، به شکل آواز می‌خوانند و این نشان می‌دهد آن کسانی که تعزیه را مدون کرده‌اند چه هوشمندی در بخش موسیقی‌اش داشته‌اند.

دانشمندانی چون فارابی، مراغی، ابن‌سینا و...

که سر حسین وَر نیزه زند/ مرغون هوا به مرغون هوا به یک طرف خیمه زند/ مرغون هوا و ماهیون دریا/ از بهر حسین سنگ بر سینه زندند. در همین دوبیتی‌ها و رباعی‌ها حتی نمونه‌هایی از پند و حکمت را هم می‌بینیم. مثل این دوبیتی: مُو بر سر خاک اومده گریون گریون/ بیدار کُثم شمار ازای خواب گرون/ بیدار شوید و حال ما را ببینید/ بیدار کنه شمار خواندن چهون.

اما در فرهنگ خودمان هیچ‌گاه به درستی به این موضوع‌ها نگاه نکرده‌ایم. عده‌ای آمده‌اند، شعار داده‌اند که وقتی می‌گوییم موسیقی مذهبی یعنی مرثیه‌خوانی در حالی‌که این غلط است و هزاران موضوع دیگر در موسیقی مذهبی مرتب هستند که به آنها پرداخته نمی‌شود. اسنادی در دست داریم که نشان می‌دهد از ابتدای تاریخ تاکنون با الحان موسیقایی مرثیه‌خوانی می‌کردند؛ چه در ایران پیش از اسلام و چه ایران پس از اسلام. همینگ مستشرق فرانسوی مرثیه‌ای از دوران پایانی اشکانیان و شروع ساسانیان پیدا کرد به اسم «مرزکوه» که فرد قدرتمندی هم بوده است. اگر این سند را از نظر سرایش مرثیه مینا قرار دهیم، پیدا شدن لحن و آواز موسیقی به پایان اشکانیان و شروع ساسانیان می‌رسد. گذشته از این پیکرک‌هایی در تپه‌گیان نپاوند پیدا شده که آن هم سندی در موسیقایی بودن مرثیه است. یکی از این پیکرک‌ها مرد سوگوار است و دیگری زن سوگوار. حالت این دو پیکرک دقیقاً همان چیزی است که فردوسی طوسی هم به آن اشاره کرده است: سینه چاک زند. پیکرک مرد شمشیر به دست دارد و پیراهنش را چاک می‌زند. قدمت این پیکرک‌ها ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است. از این سند می‌توان حدس زد که سوگواری و مرثیه در ایران حداقل از ۵۵۰۰ سال پیش وجود داشته است. اما موضوعی که در این پیکرک‌ها جلب توجه می‌کند این است که سوگواری‌شان قطعاً آهنگین بوده است. چون عموماً مردم قرار داده‌اند تا استفاده شود. البته افزون بر اینها موضوع‌هایی هم هست که به آنها اصلاً توجهی نشده است. مثل مرثیه در رباعی‌ها

در رسالات مختلف حکمای ایرانی دستگاه نوا به عنوان شدالیکا ذکر شده است. در آن حکمتی بوده که می‌گفتند کدام شعر باید در کدام گوشه از دستگاه نوا خوانده شود تا دردها را ساکن کند. مثلاً درد فراق را با خواندن شعری مخصوص در گوشه‌ای معین از دستگاه نوا تسکین می‌کردند. می‌گفتند که این غلط است و هزاران موضوع دیگر در موسیقی مذهبی مرتب هستند که به آنها پرداخته نمی‌شود.

اسنادی در دست داریم که نشان می‌دهد

از ابتدای تاریخ تاکنون با الحان موسیقایی مرثیه‌خوانی می‌کردند؛ چه در ایران پیش از اسلام و چه ایران پس از اسلام. همینگ مستشرق فرانسوی مرثیه‌ای از دوران پایانی اشکانیان و شروع ساسانیان پیدا کرد به اسم «مرزکوه» که فرد قدرتمندی هم بوده است. اگر این سند را از نظر سرایش مرثیه مینا قرار دهیم، پیدا شدن لحن و آواز موسیقی به پایان اشکانیان و شروع ساسانیان می‌رسد. گذشته از این پیکرک‌هایی در تپه‌گیان نپاوند پیدا شده که آن هم سندی در موسیقایی بودن مرثیه است. یکی از این پیکرک‌ها مرد سوگوار است و دیگری زن سوگوار. حالت این دو پیکرک دقیقاً همان چیزی است که فردوسی طوسی هم به آن اشاره کرده است: سینه چاک زند. پیکرک مرد شمشیر به دست دارد و پیراهنش را چاک می‌زند. قدمت این پیکرک‌ها ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است. از این سند می‌توان حدس زد که سوگواری و مرثیه در ایران حداقل از ۵۵۰۰ سال پیش وجود داشته است. اما موضوعی که در این پیکرک‌ها جلب توجه می‌کند این است که سوگواری‌شان قطعاً آهنگین بوده است. چون عموماً مردم قرار داده‌اند تا استفاده شود. البته افزون بر اینها موضوع‌هایی هم هست که به آنها اصلاً توجهی نشده است. مثل مرثیه در رباعی‌ها

جوانان علاقه‌مند به این حوزه که به مرثیه‌خوانی نیز گرایش دارند، نباید فراموش کنند اروپاییان مذهبی خود را از ایرانیان یاد گرفته‌اند. زنده‌یاد ایرج گل‌سرخي تمام اسناد این موضع را پیدا، تدوین و به جامعه ارائه کرده است. طبق همین اسناد زمانی که هنوز واتیکان به مرکز مذهبی مسیحیان جهان تبدیل نشده بود، دو «هیربد» و یک «هوبد» از ایران به دعوت اسقف «کاپادوکیه» به آنجا می‌روند و طی سه ماه به مسیحیان آواز مذهبی را آموزش می‌دهند. جالب است که پس از این سه ماه از گروه همسرایان مذهبی آنجا امتحان هم می‌گیرند. در همین اسناد آمده است دور عصای اسقف کاپادوکیه، کاملاً خیس شده بوده است چون آنقدر سرش را بر عصا تکیه داده و گریه کرده بود.

برخی اوقات می‌شنوم جوانان با حسرت به مراسم مذهبی زیبایی اروپاییان می‌نگرد و دوست دارند برخی جاها شبیه آن اجرا کنند. اما کاش کمی به ریشه‌های مذهبی جهان نگاه می‌کردیم. کاش متوجه بودیم که جهان در این عرصه وامدار ایران است.

#پژوهشگر موسیقی مناطق و مذهبی



زبان حال یا نوحه‌های ستایشی، بیشتر از اشعاری که به عنوان مرثیه می‌شناسیم استفاده می‌کنند. علاوه بر آنچه ذکر شد، به کتاب‌هایی هم در حوزه موسیقی مذهبی در ایران برمی‌خوریم که دستورالعمل‌هایی هستند غیرمستقیم برای شیوه‌های اجرایی. این کتاب‌ها اکنون مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. از سال ۱۳۴۱ که قیام بازار آغاز شد، دولت وقت دستور خمیر کردن آنها را داد که تاکنون نیز چاپ یا تجدید چاپ نشده‌اند. برخی از آن کتاب‌ها عبارتند از: طریق البکا (بکاه به معنای گریه)، محیط البکا، عمان البکا، امواج البکا، مفتاح البکا، منبع البکا، مخزن

و رثای مشاهیر. البته بنده اعتقاد دارم شاخه دیگری هم هست که متأسفانه اکنون از میان رفته است. آن شاخه را «رثای بی‌صدا» می‌نامیم. به این معنا که این نوع رثا به صورت نگارگری بر سردر خانه‌ها و اماکن خاصی مثل حمام‌ها نقش می‌بسته که متأسفانه از بین رفته و کم‌رنگ شده است. از سوی دیگر هر کدام از این شاخه‌ها را هم می‌توان جداگانه بررسی کرد. مثلاً شاخه «مشاهیر» خود به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شود، مثل قهرمانان ملی، قهرمانان قومی، شاعران و داستانسرایان، ادیبان و روزنامه‌نگاران، نقاشان، استادان دانش و فن، موسیقیدانان، فرماندهان و شهدای جنگ‌ها و... می‌دانیم که برای هر یک از این زیرشاخه‌ها مرثیه‌های جداگانه‌ای خوانده می‌شود یا مثلاً در مرثیه خانوادگی برای مرگ پدر، مادر، برادر، خواهر و دیگر بستگان و حتی برای معشوق نیز مرثیه می‌خوانند.

با این شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها که بخشی از آنها تعریف شد، می‌توان به گستردگی و وسعت مرثیه‌خوانی و موسیقی مذهبی پی برد. **مرثیه‌خوانی آیینی در دو شکل اجرا** مرثیه‌خوانی آیینی در ایران در دو شکل دینی– مذهبی و باورمدارانه قومی اجرا می‌شود. در شکل اجرایی دینی– مذهبی با اشکالی مثل حلقه زند و گرد آمدن فشرده گروهی یا حرکت در خط مستقیم همراه با حرکاتی مثل سینه زدن، زنجیر زند و بر سر زند، آوازهای گروهی، فردخوانی– جمع‌جویی و... روبه‌رو هستیم اما مساله مهم آن است که در شکل اجرایی نوحه‌های

البکا، معدن البکا، صحاب البکا، عیت البکا و... از سوی دیگر کتاب‌هایی مثل بحر الدموع(دموع به معنای خون‌ها)، عین الدموع، صحاب الدموع، منبع الدموع و... یا مخازن الاحزان، ریاض الاحزان، نوحه الاحزان و... نیز جزء کتاب‌هایی هستند که در حوزه موسیقی مذهبی قرار دارند. یا این کتاب‌ها: مجمع المصائب، رجیزه المصائب، اکلیل المصائب، خزائن المصائب و...

شاعران بزرگی که اهل کار بوده‌اند این کتاب‌ها را سروده‌اند و دستورالعمل‌های غیرمستقیم اجرایی را در این کتاب‌ها آورده‌اند و در اختیار عموماً مردم قرار داده‌اند تا استفاده شود. البته افزون بر اینها موضوع‌هایی هم هست که به آنها اصلاً توجهی نشده است. مثل مرثیه در رباعی‌ها

